



The Regional Deterrence Strategy of the Islamic Republic of Iran Against Security Threats

Seyed Hossein Athari

Associate Professor of Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Zahra Pakzad

MA Graduate in International Relations, University of Guilan, Guilan, Iran (Corresponding Author).

Email: Zahra_pakzad@yahoo.com

Fatemeh Pakzad

MA Graduate in International Relations, University of Guilan, Guilan, Iran.

Abstract

Throughout the history of international relations, deterrence has been one of the most crucial systems for managing order and maintaining security. Nations have consistently sought security within their strategic domains, with deterrence emerging as a scientific subject alongside war in strategic studies. This concept encompasses a set of fundamental principles, rules, theories, ideologies, intellectual foundations, and nationally accepted basic tenets that are articulated by political-military leaders in accordance with national security doctrine and prevailing military thought. In this context, the crucial issue that emerges is the conceptualization of the Islamic Republic of Iran's deterrence model. Given Iran's security threats and the U.S. military presence, a critical question arises: what security paradigm can Iran employ to safeguard its strategic interests in the Persian Gulf region while preventing the outbreak of war that would incur substantial costs? This descriptive-analytical study examines how the Islamic Republic of Iran can utilize deterrence elements such as regional power projection and missile technology advancement to mitigate potential war risks, thereby investigating the mechanisms of deterrence in securing Iran's strategic position in the Persian Gulf. The research operates on the premise that through these deterrence strategies, Iran can effectively prevent armed conflict while maintaining its security objectives in this vital waterway.

Keywords: Deterrence Model, Defensive Strategy, Offensive Strategy, Asymmetric Threats.





بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات امنیتی

سیدحسین اطهری

دانشیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان رضوی، ایران.

زهرا پاکزاد

دانش آموخته ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران (نویسنده مسئول).

Email: Zahra_paakzad@yahoo.com

فاطمه پاکزاد

دانش آموخته ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

چکیده

در تاریخ روابط بین‌الملل بازدارندگی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نظام‌های مدیریت نظم و حفظ امنیت مطرح بوده است. کشورها همواره به دنبال امنیت در حوزه‌های راهبردی خود هستند، بازدارندگی از جمله موضوعاتی علمی است که در کنار جنگ به‌عنوان موضوع مطالعات راهبردی مطرح است و شامل مجموعه‌ای از اصول اساسی، قواعد، نظریه‌ها، اندیشه‌ها، زیربنای فکری و اصول بنیادی مورد قبول و حمایت ملی است که توسط رهبران نظامی سیاسی کشور و با توجه به دکترین امنیت ملی و اندیشه نظامی حاکم بیان می‌شود. در این راستا موضوعی که اهمیت می‌یابد تفکر درباره مدل بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران است. با توجه به تهدیدات ایران و حضور نظامی آمریکا، این پرسش قابل طرح است که ایران با به‌کارگیری چه نوع الگوی امنیتی در جهت تأمین امنیت خود در حوزه راهبردی خلیج فارس و چگونه می‌تواند از بروز جنگ که سبب‌ساز تحمیل هزینه‌های زیادی است، جلوگیری به عمل آورد؟ این پژوهش با شیوه توصیفی - تحلیلی در جهت پاسخ به مفروض پژوهش مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی ایران با استفاده از عناصر بازدارندگی نظیر گسترش قدرت منطقه‌ای و تقویت فناوری موشکی خود می‌تواند از خطرات احتمالی جنگ جلوگیری کند، به بررسی چگونگی بازدارندگی در راستای تأمین امنیت جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: الگوی بازدارندگی، راهبرد تدافعی، راهبرد تهاجمی، تهدیدات نامتقارن



مقدمه

از دیرباز در نظام بین‌الملل، قدرت‌های بزرگ به دنبال دستیابی به حداکثر قدرت و امنیت بوده‌اند تا جایگاه خود را به‌عنوان ابرقدرت، میان سایر دولت‌ها حفظ و یا بهبود بخشند. با شکل‌گیری مکاتب نظری ژئوپلیتیک، مناطق، علی‌الخصوص مناطق دارای منابع طبیعی خام و مناطقی که از نظر ژئواستراتژیک پراهمیت بودند، در رأس توجه قدرت‌ها قرار گرفتند. غرب آسیا، به علت دارا بودن ذخایر نفتی و موقعیت جغرافیایی بی‌نظیر، همواره موردتوجه قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل، علی‌الخصوص آمریکا بوده است و جذابیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک منطقه همواره قدرت‌های بزرگ را به مداخله و سهم‌خواهی در این منطقه ترغیب نموده است. مسئله نفت و نقش ارتباطی خلیج فارس به‌عنوان یکی از پراهمیت‌ترین مناطق ترانزیتی جهان، این منطقه را از دیرباز به نقطه جذابی برای قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل مبدل کرده است و هریک از دولت‌ها تلاش کرده‌اند تا به‌نوعی با مداخله در منطقه به عمق نفوذ خود افزوده و با مداخله در امور داخلی دولت‌ها و روابط درون منطقه‌ای، عرصه را برای سهم‌خواهی خود باز کنند. نمونه بارز مداخلات قدرت‌ها در این منطقه را می‌توان در سفرهای متعدد سران این دولت‌ها به کشورهای غرب آسیا و انعقاد طیف گسترده‌ای از قراردادهای دوجانبه و چندجانبه اعم از نظامی، سیاسی، اقتصادی و ... با دولت‌های این منطقه مشاهده نمود که این اقدامات، گستره وسیعی از نتایج، از جمله کودتا و روی کار آمدن دولت‌های دست‌نشانده تا جنگ‌های داخلی و مناقشات منطقه‌ای را به بار می‌آورد.

حمایت‌های وسیع شیوخ خلیج فارس از یکدیگر و اتحادهای مستحکم میان آنان، و دشمنی با ایران، ضمن این‌که منطقه را دچار چالش نموده باعث ایجاد ناامنی علی‌الخصوص برای ایران شده است، عربستان به‌عنوان زمامدار جهان سنت، ادعای رهبری و ریاست اعراب منطقه و ادعای قدرت هژمون منطقه را دارد و از طرفی، آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده نفت در دنیا شناخته شده و عربستان بزرگ‌ترین شریک نفتی آمریکا در غرب آسیا لقب گرفته است. هم‌سویی سران سعودی با سیاست‌های آمریکا در منطقه، عربستان را به ثروتمندترین متحد راهبردی واشنگتن در منطقه مبدل ساخته است. اقدام اخیر دولت آمریکا در سفر ترامپ، به عربستان و عقد بزرگ‌ترین قرارداد نظامی چند سال اخیر با این کشور را نیز می‌توان فصلی نوین در روابط راهبردی میان دو دولت دانست. از آنجایی‌که در نظام بین‌الملل، اقدامات و رفتار هر جزء، می‌تواند بر کل اجزای نظام تأثیر بگذارد، قرارداد تسلیحاتی آمریکا و عربستان نیز می‌تواند پیامدهای بالقوه و بالفعل بسیاری بر امنیت کل



منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا به همراه داشته باشد. تحول فناوری به کاربرده شده در عرصه نظامی تغییرات گسترده‌ای در عرصه جنگ و امنیت کشورها داشته است و پیوسته به عنوان عامل مؤثری برای تحمیل دیدگاه‌های کشورهای قدرتمند و ابرقدرت‌ها به دیگر کشورها عمل کرده است. در طول دهه‌های اخیر تلاش‌های گسترده‌ای شده است تا با وضع قوانین و توافق‌نامه‌ها در عرصه‌های مختلف، نوعی اصول و قواعد رفتاری لازم‌الاجرا در صحنه بین‌المللی غالب گردد تا استخدام و به کارگیری فناوری و تسلیحات را کنترل کند. تلاش قدرت‌ها آن بود تا رژیم‌هایی لازم‌الاجرا برای کشورها ایجاد شود و تخلف از آن‌ها با تبعات گسترده‌ای روبه‌رو گردد. ادبیات موجود در زمینه‌های راهبردی و دفاعی بر مفهوم نبرد نامتقارن تأکید بسیار دارند. با گسترش فناوری و قدرت نظامی، تسلیحات بسیار مخرب و افزایش جنگ‌ها، با قدرت انهدام کشتار گسترده، بنیان‌های اجتماعی و تمدن بشر را تهدید می‌کند. با ورود فناوری‌های جدید جنگ‌ها بسیار پرهزینه و غیرعقلانی گردیده است. از سوی دیگر، کنترل و انحصار قدرت و فناوری نظامی از دست قدرت‌های برتر خارج و دیگر کنشگران نیز توان به کارگیری ابزار پیشرفته را برای تقویت قدرت نظامی خود و ایجاد بازدارندگی به کاربرده‌اند. این امر نه تنها در کشورهای پیشرفته، بلکه در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته هم مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین در چنین وضعیتی، اتخاذ پاره‌ای از عناصر راهبردی به‌ویژه تعقیب راهبرد دفاعی مناسب برای امنیت جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدات نامتقارن در قالب مدل بازدارندگی عینیت می‌یابد. در این پژوهش، این پرسش مطرح است که؛ ایران با به کارگیری چه نوع الگوی امنیتی در جهت تأمین امنیت خود در حوزه راهبردی خلیج فارس اقدام نماید؟ چگونه می‌تواند از بروز جنگ که سبب ساز تحمیل هزینه‌های زیادی است، جلوگیری به عمل آورد؟ و با این فرضیه، ایران با استفاده از بازدارندگی، گسترش هژمون منطقه‌ای و افزایش قدرت یابی در غرب آسیا، چگونه با کنترل فناوری موشکی از خطرات احتمالی جنگ جلوگیری کند. مقاله با استفاده از نظریه «رنالیسم تدافعی»، اهداف و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در منطقه را در مقابل تهدیدات و حمله احتمالی آمریکا و متحدان آن در قالب نظریه بازدارندگی که یکی از مفاهیم اساسی رنالیسم تدافعی است، مورد بررسی قرار می‌دهد. این نظریه، به‌طور اساسی هدایت سیاست خارجی کشورها را پاسخی به تهدیدات خارجی می‌داند. پیشینه نظام بین‌الملل حاکی از آن است که ظهور و افول قدرت‌های بزرگ همواره، مهم‌ترین عامل ایجاد تغییرات و دگرگونی‌ها در نظم این حوزه بوده است.

۱. مبانی نظری

فهم رفتار دولت در شرایط آنارشیک و یا فراهم آوردن یک نظریه مناسب برای سیاست خارجی همچنان مهم‌ترین هدف دانش روابط بین‌الملل به شمار می‌آید. نظریه کلان رئالیسم از جمله پارادایم‌های مطرح در روابط بین‌الملل است که در فرایند تحلیل و تبیین تحولات نظام بین‌الملل دچار مناظره‌های میان‌پارادایمی گردیده، و ثمره آن ظهور خرده نظریه‌های متعددی از اشتقاق بوده است. مهم‌ترین این رویکردها عبارت‌اند از: رئالیسم کلاسیک «مورگنتا»^۱، نئورئالیسم (رئالیسم ساختاری) «کنت والتز»^۲، رئالیسم نوکلاسیک «گیدئون رز»^۳، و همچنین رئالیسم تهاجمی و رئالیسم تدافعی که این دو از درون نئورئالیسم متولد شدند. همه این نظریه‌ها دارای اشتراکاتی هستند که آن‌ها را تحت نام «رئالیسم» قرار می‌دهد، اما تمایزات جزئی و یا ایده‌های آن‌ها درباره برخی از مسائل ماهوی روابط بین‌الملل همچون امنیت، آنارشی و...، آن‌ها را از هم متمایز می‌سازد. از مهم‌ترین نظریه‌پردازان نظریه رئالیسم تدافعی می‌توان به «رابرت جرویس»^۴، «استفان والت»^۵، «استفان ون اورا»^۶، و «چارلز گلاسر»^۷ اشاره کرد. همچنین خود کنت والتز به عنوان رئالیست تدافعی محسوب می‌شود. اصولاً واقع‌گرایی ساختاری را می‌توان به دو گروه کلی تقسیم‌بندی نمود که عبارت‌اند از: واقع‌گرایی تدافعی و تهاجمی.

واقع‌گرایی تدافعی یکی از شاخه‌های عمده واقع‌گرایی ساختارگراست که نظریه‌پردازانی مانند «کنت والتز»، «استفان والت» و «جک اسنایدر» نمایندگان اصلی آن تلقی می‌شوند. رئالیست‌های تدافعی نظام بین‌الملل را آنارشیک می‌دانند، اما آنارشی از منظر آن‌ها بی‌ضررتر از آن چیزی است که رئالیست‌های تهاجمی تصور می‌کنند. دولت‌ها می‌توانند از طریق ایجاد موازنه قدرت از عهده عمده تهدیدات خارجی برآیند؛ بنابراین تنها در شرایط ترسناک یا از طریق دولت‌های شرور غیرعقلانی است که در محیط بین‌المللی خشونت ایجاد می‌شود. بر این اساس از منظر رئالیسم تدافعی سیاست خارجی دولت‌ها از واکنش‌های عمدتاً مسالمت‌آمیز به عوامل دستگاهی تشکیل می‌شود. تعیین‌کنندگی آنارشی بین‌المللی و نحوه توزیع قدرت بین دولت‌ها و به‌خصوص قدرت‌های بزرگ

1. Huns J. Morgenthau

2. Kenneth Waltz

3. Gideon Rose

4. Robert Jervis

5. Stephen Walt

6. Stephen Van Aura

7. Charles Glaser



در عرصه سیاست بین‌الملل و موازنه سازی در برابر قدرت یا تهدید بیرونی به‌عنوان اصلی‌ترین شکل رفتار بیرونی دولت‌ها از مشخصه‌های اصلی رئالیسم تدافعی تلقی می‌شود. هرچند در این نظریه مؤلفه‌های دستگاهی به‌عنوان متغیر مستقل اصلی تعیین‌کننده سیاست خارجی محسوب می‌شوند، اما تفاوت‌هایی عمده نیز بین نظریه‌پردازان آن برای تحلیل سیاست خارجی وجود دارد (اسدی، ۱۳۸۹: ۲۳۳).

«جک اسنایدر» نیز معتقد است که آنارشی، این انگیزه را در کشورها ایجاد می‌کند که قدرت کافی برای تأمین امنیت سرزمینی و بقاء خود به دست آورند. هر هدف دیگری که دولت‌ها دنبال نمایند را نمی‌توان با توجه به انگیزه دستگاهی تبیین نمود.

اساساً واقع‌گرایان تدافعی استدلال می‌کنند که دولت‌ها با سیاست حفظ وضع موجود در نظام بین‌الملل، خواهان دستیابی به حداکثر امنیت می‌باشند. سیاست خارجی توسعه‌طلبانه یا تهاجمی ضروری نیست چراکه امنیت را می‌توان به طریق سهل‌تری به دست آورد و علاوه بر آن دفاع در اغلب مواقع آسان‌تر از تهاجم خواهد بود، دوم اینکه تمامی کشورها سعی در ایجاد توازن دارند و کشورهایی که سعی در گسترش قدرت خود دارند سرانجام با مقابله سایرین روبرو خواهند شد. بنابراین واقع‌گرایی تدافعی بر این باور است که ساختار نظام بین‌الملل، دولت‌ها را برای حفظ توازن قدرت تشویق می‌کند نه تغییر آن. در نتیجه دولت‌ها در پاسخ به تهدیداتی که در نظام بین‌الملل ظاهر می‌گردد، عمل می‌نمایند. در پاسخ به چنین تهدیداتی دولت‌ها خواهان توازن در برابر دولت تهدیدکننده، در جهت حفظ یا بازگرداندن وضع موجود خواهند بود. در غیاب تهدیدات نظام سبب ایجاد سیاست‌های معتدل و احتیاط‌آمیز خواهد شد. انگیزه توسعه‌طلبی در چنین وضعیتی معمولاً معلول سطح داخلی و آن‌هم نظام سیاسی کشورها است (قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۰۴).

واقع‌گرایی تدافعی نیز به رابطه میان آنارشی و استلزامات نظام بین‌الملل از یک‌سو، و رفتار دولت‌ها از سوی دیگر توجه دارند، اما این رابطه را پیچیده‌تر می‌بینند. فرض واقع‌گرایی تدافعی این است که آنارشی بین‌المللی معمولاً خوش‌خیم است یعنی امنیت چندان نایاب نیست و فراوان است. در نتیجه دولت‌ها که این را درمی‌یابند، رفتاری تهاجمی نخواهند داشت و تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آن‌ها وجود دارد نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند و این واکنش اغلب تنها در سطح ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر است. تنها در شرایطی که معضل امنیت خیلی جدی شود واکنش‌های سخت‌تری به شکل بروز تعارضات رخ خواهد نمود. به‌علاوه آن‌ها آنارشی بین‌المللی را



خوش‌خیم نمی‌بینند، بلکه بر آن‌اند که نمی‌توان آن را به سهولت فهمید و این دولت‌مردان‌اند که باید در هر وضعیت خاصی به ارزیابی درجه تهدید یا عدم آن پردازند (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۱۳۲).
واقع‌گرایی ساختاری تدافعی تنها بر انتخاب عقلایی تکیه می‌کند. این تفاوتی تعیین‌کننده است زیرا به واقع‌گرایی ساختاری تدافعی اجازه می‌دهد دست به پیش‌بینی‌های قطعی درباره سیاست خارجی بزند. پرچم‌دار این اندیشه را می‌توان «استفان والت» دانست. به گفته والت تهدید از قدرت کلی، مجاورت جغرافیایی، قدرت آفندی و نیت تجاوزکارانه تشکیل می‌شود. قدرت کلی همان مجموع منابع کشور است؛ کشوری که منابع بیشتری داشته باشد، می‌تواند تهدید جدی‌تری را از کشوری که منابع کمتری دارد، مطرح سازد. مجاورت جغرافیایی از این‌رو اهمیت دارد که در صورت برابری سایر شرایط، کشورهای نزدیک اغلب تهدیدکننده‌تر از کشورهای دور هستند. قدرت آفندی، توانایی یک دولت برای تهدید کردن حاکمیت یا تمامیت سرزمینی دولت دیگر با هزینه‌ای قابل قبول است. نیت تجاوزکارانه تمایل یک کشور خاص به واداشتن کشوری دیگر به واکنش را مشخص می‌سازد (ترابی و کیانی، ۱۳۹۳).

رنالیست‌ها، اصول خود را بر پایه دانایی و فردگرایی استوار ساخته و به پیش‌بینی‌های خیال‌پردازانه دل‌خوش نمی‌دارند. آن‌ها ضمن تأکید بر موضوع امنیت معتقدند که چنانچه دولتی نتواند امنیت خود را حفظ کند، قادر به انجام هیچ کاری نخواهد بود. تحت چنین شرایطی نیروی نظامی کارآمد برای حمایت از دیپلماسی، سیاست خارجی و درنهایت تأمین امنیت ضروری است (قوام، ۱۳۸۳: ۳۵۷).
بنابراین عناصر مهم راهبرد بازدارندگی، شامل رقابت فشرده و شدید تسلیحاتی مجهز به مدرن‌ترین سلاح‌ها و فناوری تسلیحاتی است. طبیعتاً در این راستا دارا بودن یک کادر دیپلماسی قوی برای تحقق راهبرد بازدارندگی در کنار رقابت تسلیحاتی از لوازم مهم برای کشور بازدارنده است. درحقیقت کشور بازدارنده باید پیوسته در رقابت تسلیحاتی حضور فعال، داشته و به‌طور روزافزون در پی دستیابی به پیشرفته‌ترین فناوری‌های نظامی و برتری تسلیحاتی نسبت به دیگران باشد (نوری فرد، ۱۳۸۶: ۱۱۹).

۲. نظام بازدارندگی

نظام بازدارندگی و مدل منطقی آن بر اساس پارادایم واقع‌گرایی سامان می‌یابد. مبنای منطقی این نظام بر این واقعیت بنا شده است که به دلیل وضعیت آنارشی، حاکمیت وضع طبیعی و حاکمیت اصل



منافع، الگوهای رفتاری هر بازیگر علیه بازیگران دیگر ساماندهی شده است. از سوی دیگر در اتخاذ رفتارهای خود بر اساس اصل محاسبه سود و هزینه عمل کرده و به عبارتی اصل عقلانیت بر رفتارهای آنان حاکم است. به همین جهت در صورتی که هزینه اقدام افزایش یابد، ضرورتاً واحد از به کارگیری و اتخاذ الگوهای رفتاری نامناسب خودداری می نماید و علاوه بر آن نفس پیش بینی نتایج اقدام، بر نوع رفتار و الگوهای رفتاری آنان تأثیرگذار خواهد بود (قاسمی، ۱۳۸۸: ۲۵۸). مفهوم بازدارندگی اصالتاً یک مفهوم نظامی- دفاعی است، ولی در دوره اخیر گسترش مفهومی پیدا کرده که عرصه های سیاسی و اطلاعاتی- امنیتی را نیز در برمی گیرد.

راهبرد بازدارندگی برای جنگیدن به کار نمی رود بلکه به منظور حفظ صلح استفاده می شود. به عبارت بهتر از لحاظ فیزیکی، طرف مقابل را دفع نمی کند بلکه از لحاظ روانی مانع از تجاوز وی می گردد. به عبارت بهتر بازدارندگی یعنی کوشش یکی برای اعمال نفوذ در دیگری تا او را از اقدام به عملی که متضمن خسارت یا هزینه ای برای او است بازدارد (رحیمی روشن، ۱۳۹۵). تهدید نظامی بخش مرکزی بازدارندگی است و این تهدید دو ستون اصلی به نام های «تهدید توانایی» و «تهدید اعتبار» دارد. در حالت کلی، این دو پایه ضامن موفقیت بازدارندگی می باشند. اولی در توازن قوای نظامی و عناصر راهبردی مصداق دارد و دومی در شهرت، توانایی علامت دهی، رفتار چانه زنه، و همین طور مشروعیت و اراده، خود را نمایان می سازد (Reccasius, 2005: 23).

بازدارندگی برای اینکه بتواند موفقیت آمیز عمل نماید باید اصول بنیادین ذیل را مدنظر داشته باشد.

✓ اعتبار

بازدارندگی زمانی مؤثر است که توانایی کافی برای پاسخ به تهدید، وجود داشته باشد (امیدوارنیا، ۱۳۸۱: ۴۵). اعتبار بخشی به تهدیدات یکی از مؤلفه های اصلی بازدارندگی است. بر اساس بیان اسموک (۱۹۸۷) تهدیدات تنها زمانی باورپذیرند که اعمال آن ها منطقی باشد. در نتیجه تنها تهدیدات منطقی معتبر است. در نظریه بازدارندگی، تعریف رسمی اعتبار با پیوند نظری بین تهدیداتی که معتبرند و تهدیداتی که منطقی و باورپذیرند منطبق است (zagare, 2004: 125). عقلانی بودن تهدید شرط اعتبار تهدید به حساب می آید، در نهایت آغاز منازعه مسلحانه به وسیله نیروهای متعارف یک کشور علیه دیگری به معنای شکست بازدارندگی است.

پاسخ‌های تهدیدآمیز باید به‌نوعی باشد که دشمن باور کند می‌تواند به حمله تلافی‌جویانه دست زند و به این اقدام مبادرت خواهد ورزید. عدم تقارن در اراده زمانی امکان خواهد داشت که یک‌طرف بقا یا حیات خود را در معرض خطر ببیند و طرف دیگر به دنبال حفظ و افزایش منافع باشد که منافع حیاتی کم‌اهمیت‌تر را در پی داشته باشد. عدم تقارن در اراده، طرفی را که در معرض خطر بیشتر است، مجبور می‌کند تا با تحمل بیشترین هزینه، به اقداماتی دست‌زند که هر دشمن دیگری ممکن است از نظر اخلاقی یا منطقی از پذیرش آن‌ها خودداری کند. ساماندهی وضعیت دفاعی در راستای تأمین و تحقق اهداف امنیت ملی کشور در واقع اصلاح ساختارها و سازوکارهای تصمیم‌گیری در نیروهای مسلح و استفاده بهینه و مطلوب از بودجه دفاعی در راستای راهبرد بازدارندگی نظامی کشور است (نوری فرد، ۱۳۸۶: ۱۲۲).

✓ ارتباط

عبارت است از برقراری رابطه با حریف و آگاه ساختن آن از قصد و نیت خود و حدود اعمال ممنوعه.

✓ توانایی

برداشت حریف از توانایی ما، بیش از توانایی فیزیکی اهمیت دارد. پس باید به نحوی دشمن را نسبت به توانایی خود آگاهی داد. به‌علاوه باید دشمن را دقیقاً از ورود در اقدامات ممنوعه آگاه ساخت. بنابراین یک ارتباط واضح و دقیق، ضروری است. هراندازه مرزی که یک متجاوز احتمالی نباید از آن عبور کند؛ روشن‌تر، برجسته‌تر و با ابهام کمتری باشد، احتمال موفقیت بازدارندگی نیز بیشتر خواهد بود (طارمی، ۱۳۸۲). متخصصین بالقوه باید این را بدانند که عوامل بازدارنده توانایی اعمال تهدیدات خود را دارند. در اینجا توانایی در دو محور اصلی نظامی و سیاسی مدنظر قرار گرفته شده است.

➤ توان نظامی

حفظ و ارتقای آمادگی دفاعی به‌عنوان ابزار عملی برای حفظ و افزایش قدرت بازدارندگی، ضامن امنیت ملی کشور است. تقویت روزافزون توان دفاعی جمهوری اسلامی ایران یک راهبردی پایدار برای کشور است که در این‌راستا تجربیات ناشی از جنگ، هرچه بیشتر مسئولان نظام را نسبت به‌ضرورت توانمندی نظامی کشور واقف ساخت (نوری فرد، ۱۳۸۴: ۱۲۴). وضعیت جغرافیایی، منابع



طبیعی، کمیت و کیفیت جمعیت، سطح توسعه اقتصادی، فناوری و توان نظامی، جمهوری اسلامی ایران را به صورت یک قدرت منطقه‌ای تأثیرگذار در سطوح جهانی و منطقه‌ای درآورده است. ایران از طریق بازسازی امنیتی و نظامی خود به قدرت و توان نظامی چشم‌گیری دست یافته است، به ویژه که در زمینه موشکی نیز موفقیت‌ها و دستاوردهای بزرگی را کسب کرده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۴۹).

➤ توان سیاسی

ایران برای افزایش قدرت و توان سیاسی خود به دنبال تعریف بحران‌های منطقه‌ای موجود و تلاش برای حل آن‌ها در قالب راهکارهای منطقه‌ای است. در واقع راهبردی که بر همکاری‌های منطقه‌ای استوار باشد، به گونه‌ای که از طریق ائتلاف و اتحاد با قدرت‌ها و کشورهای دیگر بر قدرت خود بیفزاید. افزایش قدرت، طیف وسیعی از ابزارها و روش‌ها را می‌طلبد، در این میان بهره‌گیری از ابزارهای دیپلماتیک در مقابله با تهدیدات بسیار مؤثر است. اکنون تحرک دیپلماتیک می‌تواند بسیاری از تهدیدات را خنثی نماید. به این معنا که استفاده از رویکردهای مبتنی بر تعامل سازنده در سیاست خارجی زمینه همبستگی راهبردی ایران با سایر کشورها را فراهم خواهد کرد (نوری فرد، ۱۳۸۶: ۱۲۵).

➤ نفوذ

بازدارندگی را می‌توان به طور کلی نوعی رابطه سیاسی و اجتماعی دانست که در آن طرف اول می‌کوشد تا در رفتار طرف دوم در جهت هدف یا اهداف خاصی اعمال نفوذ کند. نفوذ ممکن است از طرق مختلف و در جهت هدف‌های متفاوت به کار برده شود، اما بازدارندگی شامل نوع خاصی از اعمال نفوذ است که ضمن آن طرف مقابل تهدید می‌شود که چنانچه در جهت مطلوب عمل کند، مورد مجازات یا دست‌کم محرومیت قرار نخواهد گرفت (ازغندی و روشندل، ۱۳۷۴: ۲۰۴).

راهبرد بازدارندگی مبتنی بر حل مسالمت‌آمیز مناقشه است، به نحوی که به برخورد نظامی منجر نشود. از این جهت لازم است دولت‌ها از طریق انتشار اعلامیه رسمی، ارسال پیام و اعلام برنامه‌های خود نیت واقعی خود را در این زمینه آشکار کنند. بازدارندگی هنگامی است که نیروی بازدارنده منظور خود را صریح و شفاف به اطلاع طرف مقابل برساند و معین کند در صورت مورد حمله قرار گرفتن دقیقاً چه عواقبی در انتظار مهاجم خواهد بود؛ یا حتی چه نوع سلاحی به کار خواهد رفت. زیرا در غیر این صورت درحالتی که کشوری قابلیت ضربه دوم را نیز دارد و اراده به کارگیری نیز وجود دارد اما ارتباط لازم برقرار نشده یا اینکه دلایلی باعث شده حریف منظور طرف مقابل را

به‌خوبی درک نکنند در این صورت ممکن است حمله‌ای صورت گرفته و بازدارندگی معنی خود را از دست بدهد (رحیمی روشن، ۱۳۹۵: ۸۵).

۲-۱. انواع بازدارندگی

استراتژیست‌های نظامی بازدارندگی را به انواع مختلفی تقسیم کرده‌اند که در این قسمت به برخی از وجوه مهم آن پرداخته می‌شود.

«بازدارندگی هسته‌ای»^۱ به سلاح‌های اتمی متکی است، «بازدارندگی فوق کلاسیک»^۲ هنگامی است که سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک نیز به کار رود. و «بازدارندگی متعارف»^۳ این نوع بازدارندگی با فروپاشی شوروی مصداق می‌یابد. با فروپاشی شوروی، نظام بین‌المللی از حالت دوقطبی خارج شد و به نظامی هژمونیک تبدیل شد، در این میان آمریکا که از تهدید مستقیم شوروی رهایی یافته بود، با تهدیدات نوینی در سایر نواحی به‌ویژه تهدیدهای قدرت‌های کوچک و ناراضی از نظام روبرو شد که این قدرت‌ها از توان هسته‌ای برخوردار نیستند اما در برخی از سطوح، تحت عنوان تهدیدات نامتعارف مطرح شده‌اند. از اینجاست که موضوع بازدارندگی متعارف به‌ویژه از نوع یک‌جانبه و گسترده از سال ۱۹۸۹ به بعد از اهمیت روزافزونی برخوردار شده است. عناصری که در این نوع بازدارندگی وجود دارد شامل برتری فناوری، حضور مداوم در منطقه موردنظر، چابکی راهبردی، و بهره‌گیری از نهاد امنیت دسته‌جمعی سازمان‌های مختلف در جهت اعمال بازدارندگی علیه واحدهای ناراضی می‌گردد. تحقق بازدارندگی متعارف مبتنی بر کارکرد دو متغیر «مجازات و ممانعت» است. در مجازات، هدف تهدید به تحمیل مجازات غیر قابل قبول به جامعه و حکومت دشمن، صرف‌نظر از نیروهای موجود در صحنه عملیات است. متغیر ممانعت، مربوط به توانایی شکست دشمن، در صحنه عملیات خواهد بود و بنابراین بر دفاع سرزمینی تأکید می‌گردد (قاسمی، ۱۳۹۴: ۳۸۶-۳۸۵).

1. Nuclear deterrence

2. classic deterrence

3. Conventional Deterrence



از نظر اهداف، بازدارندگی ممکن است به صورت «هجومی»^۱ یا «دفاعی»^۲ اتفاق بیافتد. بازدارندگی هجومی در صورتی است که مانع مقابله دشمن با عملی شود که می‌خواهیم انجام دهیم و بازدارندگی دفاعی به منع دشمن از عملی منجر می‌شود که از انجام آن می‌ترسیم.

ازلحاظ روش نیز، به کارگیری بازدارندگی را به «بازدارندگی مستقیم»^۳ و «بازدارندگی غیرمستقیم»^۴ تقسیم می‌کنند.

۲-۲. تقسیمات جغرافیایی بازدارندگی

تقسیمات جغرافیایی بازدارندگی در دو سطح «منطقه‌ای» و «جهانی» قابل ارزیابی است. بازدارندگی در سطح جهانی خاص کشورهای ابرقدرت است. به عبارتی، پنج قدرت اتمی جهان در این حوزه قرار می‌گیرند که در برابر همدیگر از راهبرد بازدارندگی برخوردارند. بازدارندگی منطقه‌ای خاص کشورهایی است که در حال توسعه نامیده می‌شوند. کشورهایی مانند هند، پاکستان و برزیل را می‌توان در این طبقه قرارداد، زیرا این کشورها در برابر همدیگر از توان بازدارندگی برخوردارند اما در برابر قدرت‌های جهانی این موقعیت را ندارند، از سوی دیگر ازلحاظ سیاست‌های طرح‌شده، این کشورها تضاد چندانی با نظام موجود جهانی ندارند و جزء خانواده غرب به حساب می‌آیند از این رو اصطکاکی با قدرت‌های بزرگ ندارند و اگر اختلافاتی موجود باشد اختلاف ماهیتی و فلسفی نیست. این کشورها در مقابل همدیگر از بازدارندگی برخوردارند اما در مقابل قدرت‌های بزرگ با توجه به سیاست‌های مشترک آن‌ها به بازدارندگی نیازی نیست زیرا تقابل جدی وجود ندارد. ولی انقلاب اسلامی گرچه جزء کشورهای در حال توسعه است اما ازلحاظ عقیدتی و ماهوی تفاوت اساسی با دیگر حکومت‌های جهان داشته و اصولاً مخالف نظم موجود جهانی است از این رو نیاز ایران به بازدارندگی بیش از دیگر کشورهای هم‌سطح است (رحیمی روشن، ۱۳۹۵: ۸۷). باید توجه داشت که هر منطقه جغرافیایی، مؤلفه‌های بازدارندگی خاص خود را خواهد داشت و ابزارهای بازدارندگی نیز با توجه به دوره زمانی و موقعیت جغرافیایی تغییر خواهد کرد. آمریکا در دوره جنگ سرد تسلیحات هسته‌ای خود را در اروپا و آسیا مستقر کرده و از ظرفیت افزایش این قوای راهبردی در صورت نیاز برخوردار است. بازدارندگی منطقه‌ای با در نظر گرفتن چهار نوع بازیگر «قدرت مداخله‌گر منطقه‌ای»،

1. Attacksiv deterrence
2. Defensive deterrence
3. Deterrence directly
4. Indirect deterrence

«قدرت‌های تحت‌الحمایه قدرت مداخله‌گر درون منطقه»، «قدرت یا قدرت‌های ناراضی منطقه‌ای» و «سایر واحدهای درون منطقه‌ای» طرح‌ریزی می‌شود.

به این ترتیب مدل بازدارندگی منطقه‌ای مجموعه کنش‌هایی را درون خود دارد که در بیشتر مواقع، در وضعیت عدم تقارن قدرت بروز می‌یابند؛ زیرا «قدرت مداخله‌گر منطقه‌ای» معمولاً از قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل است که در کنش با سایر بازیگران منطقه‌ای قرار می‌گیرد. این امر فرصت‌ها، محدودیت‌ها و به کارگیری ابزارها را در راستای دفاع یا تهاجم، در چارچوب راهبرد بازدارندگی، تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و موجب اتخاذ رویکردهای مختلف بازدارندگی در چارچوب منطقه‌ای خاص می‌شود (سیفی، ۱۳۹۱: ۶۸-۷۰).

بر اساس اسناد راهبردی منتشرشده در سال ۲۰۱۰، غرب آسیا یکی از مناطق اصلی جغرافیایی تهدیدزا برای منافع آمریکا معرفی شده است در این منطقه، تنها قدرتی که سیاست بازدارندگی باید در قبال آن صورت پذیرد، جمهوری اسلامی ایران است (جمشیدی، ۱۳۹۱: ۱۳۵). خصوصیات و ویژگی‌های ایران به گونه‌ای است که رسیدن به حداقل بازدارندگی در سطح منطقه و نیروهای غربی مستقر در آن و به خصوص برابر رژیم صهیونیستی امنیت انقلاب اسلامی در برابر آمریکا را نیز تأمین خواهد نمود. زیرا به شرط پیش‌قدم نشدن ایران در جنگ احتمالی و با فرض دارا بودن توان ضربه دوم، در برابر رژیم صهیونیستی، در مقابل حمله احتمالی آمریکا نیز مصونیت خواهد داشت. چون در صورت حمله آمریکا به ایران؛ رژیم صهیونیستی به عنوان متحد راهبردی آمریکا مورد حمله قرار خواهد گرفت، مسئله‌ای که آمریکا به هیچ وجه مایل به آن نیست. مسلم است آمریکا در برابر هر حمله‌ای به رژیم صهیونیستی ساکت نخواهد نشست به همین دلیل خود این کشور نیز کاری انجام نخواهد داد که به حمله بر علیه آن منجر شود. تجربه نشان داده است اتحاد این دو کشور به حدی است که اصولاً هیچ اختلافی در سیاست‌های جهانی ندارند و از سوی دیگر لابی یهودی پرنفوذ آمریکایی، این کشور را وادار به تأمین امنیت و منافع اسرائیل می‌کند. اگرچه این امنیت با چشم‌پوشی آمریکا از برخی منافع خود به دست آید (رحیمی روشن، ۱۳۹۵).

روابط ایالات متحده آمریکا با پادشاهی‌های حوزه خلیج فارس که اغلب به طور کلی در قالب شورای همکاری خلیج فارس نام‌برده می‌شوند، در طول دهه ۱۹۷۰ و هم‌زمان با شکل‌گیری این سازمان در سال ۱۹۸۰، شکل منسجم‌تر و جدی‌تری به خود گرفت. این روابط از زمان ذکر شده، در چارچوب همکاری و مشارکت امنیتی جهت محافظت از منابع انرژی، تعریف شده است (Blanchard;)



(et.al, 2012). در غرب آسیا آنچه آینده قدرت‌های حاکم در این منطقه را تعیین می‌کند، زور و اسلحه است که در این میان رأی و دیدگاه مردم اهمیتی ندارد. اهمیت برتری هسته‌ای رژیم صهیونیستی از حیث تهدید نظامی، از این واقعیت نشئت می‌گیرد که این رژیم کاملاً آمادگی استفاده از این تسلیحات را در شرایط بحرانی داراست. پایگاه سازی هژمونیک به رهبری آمریکا در غرب آسیا با تغییر نوع تهدیدات، توانایی اعمال تهدیدات و اعتبار سازی چنین تهدیداتی از یک‌سو سبب می‌گردد که ایران با محدودیت چرخه راهبردی روبرو شود و از سوی دیگر، با داشتن فرصت‌ها و مزیت‌های متعددی در دفاع، راهبرد دفاع را برگزیده و بازدارندگی دفاعی را در دستور کار راهبردی خود قرار دهد. پایگاه‌های آمریکا در منطقه خلیج فارس مدل بازدارندگی دیپلماسی را به سمت بازدارندگی تدافعی فعال تغییر جهت داده و به همین سبب، تنها دیپلماسی دفاعی می‌تواند در خدمت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران قرارگیرد.

در راستای اتخاذ راهبرد تهاجمی از سوی آمریکا، این کشور سامانه پدافند موشکی خود را با هدف مقابله با تهدیدات موشکی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس مستقر نموده است. کارشناسان نظامی آمریکا هدف از استقرار پدافند موشکی و عناصر اصلی آن را تقویت توان پدافندی این کشور در برابر تهدیدات موشکی ایران می‌دانند. در این راستا، آمریکا تلاش کرده است که توان دفاعی کشورهای حوزه خلیج فارس را تقویت نماید، که این مقوله نیز شامل تلاش برای فروش سامانه‌های دفاع موشکی پیشرفته به کشورهای عربی و گسترش توان دفاعی هوایی ناوهای مستقر در خلیج فارس است (قربانی، ۱۳۹۱: ۱۷). آمریکا از وابستگی امنیتی کشورهای حوزه خلیج فارس و ایجاد اختلاف بین ایران و کشورهای عربی، سود جسته و راه‌حل‌های همکاری را در مورد چندین مسئله مربوط به حفظ منافع خود بر این کشورها تحمیل می‌کند.

به‌طور کلی سیستم بازدارندگی راهبردی بر اساس متغیرهای بنیادین زیر شکل می‌گیرد: ایجاد و حفظ توانایی‌های جنگی، ردیابی تهدیدات، برنامه‌ریزی جامع، امکان استفاده از بازدارندگی در سطح جهانی و منطقه‌ای، به‌کارگیری کلیه ابزارهای نظامی و سیاسی، نشان‌دادن توانایی‌های جنگی، پیش‌بینی پاسخ مهاجم بالقوه در وضعیت عدم اطمینان، تأمین امنیت ملی در سطوح تحول، ایجاد و استقرار سامانه‌های تسلیحات استراتژیک. از سوی دیگر کارایی بازدارندگی راهبردی به طراحی سازوکارهای کارآمدی بستگی دارد که سبب تجمع توانایی‌ها و انجام اقدامات کارآمد در مواقع ضروری می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۳: ۶۰).

۲-۳. عوامل تأثیرگذار بر نظام بازدارندگی منطقه‌ای ایران

از دیدگاه نظریه‌پردازان بازدارندگی، نظم ساختاری زمانی حفظ خواهد شد که رهبران دریابند حریفان بالقوه آن‌ها در صورت رخداد رفتار نامطلوب، توان و اراده تلافی را خواهند داشت. بنابراین در پاسخ به تجاوز بالقوه استراتژیست‌ها، باید با افزایش توانایی‌های نظامی و نشان‌دادن اراده تلافی، تهدیدات بازدارنده را تقویت نمایند. اصولاً ساختار بازدارندگی منطقه‌ای به‌ویژه توسط کشورهای ناراضی منطقه‌ای، در پاسخ به نظام کنترلی قدرت مداخله‌گر طراحی می‌شود. به عبارتی مهم‌ترین تهدیدی که از ناحیه این کشورها، راهبرد محسوب شده و برای مقابله با آن نظام بازدارندگی خود را طراحی می‌کنند، تهدیدات ناشی از حضور قدرت مداخله‌گر منطقه‌ای در منطقه و اقدامات آن است. بدین ترتیب ایران پیش از هرچیز با نظام بازدارندگی منطقه‌ای آمریکا روبرو است. واقعیت‌های تجربی به‌ویژه جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران، حمله این رژیم به کویت و مداخله آمریکا و متحدان آن، همچنین حمله آمریکا به عراق و اشغال این کشور و موضع‌گیری‌های آن در برابر ایران، حاکی از وجود نظام بازدارندگی گسترده و یک‌جانبه آمریکا در منطقه خلیج فارس است. علاوه بر آن، آمریکا نیز خود را شدیداً در معرض چالش‌های ناشی از رقبای درون منطقه‌ای می‌بیند که نفوذ منطقه‌ای آن مورد چالش قرار گرفته است. این موضوع، همراه با اهمیت جهانی و ژئوپلیتیکی حوزه‌های راهبردی ایران، حضور آمریکا را در حوزه‌های مذکور جدی‌تر ساخته است. بنابراین از نظر ایران، نظام بازدارندگی یک‌جانبه منطقه‌ای آمریکا در حوزه‌های راهبرد منطقه‌ای تهدید بزرگی محسوب می‌گردد (قاسمی، ۱۳۸۸: ۷۰).

۳. حوزه راهبردی جمهوری اسلامی ایران

نخستین معیار در ترسیم مدل بازدارندگی کشورها، محیط راهبردی آن‌هاست. محیط راهبردی و نحوه ترسیم آن بر نظام بین‌الملل، تهدیدات، اهداف، نقاط اهداف بودجه و نوع کنترل سیاست خارجی کشور را مشخص می‌کند. بر این اساس شناخت محیط راهبردی جمهوری اسلامی ایران اولین گام در تشخیص مدل بازدارندگی آن خواهد بود.

ایران برای ترسیم محیط بازدارندگی، باید به معیارهای زیر توجه کند

۱. پارادایم اسلامی از گروه‌بندی ملت‌ها و مرزبندی نظام نگرش ژئوکالچری؛
۲. نگرش ژئوپلیتیک در دیدگاه ایرانی؛



۳. نگرش ژئواکونومیک ایران (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۰۶).

با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران با موج گسترده‌ای از تهدیدات، به‌ویژه تهدیدات نامتقارن مواجه است که خود دارای روندی بسیارپیچیده است. به‌طورکلی، نظم نامتقارن ازجمله مهم‌ترین ویژگی نظام‌های پیچیده و آشوب است. نظم نامتقارن نیاز به منطق و سازه‌های فیزیکی خاصی برای مدیریت آن خواهد داشت، اما مهم‌ترین موضوع اینکه اصول مذکور دفاع سنتی را به دفاع نوین و یا دفاع جامع و همه‌جانبه تغییر می‌دهد، ایران در منطقه‌ای بسیار خطرناک واقع شده است؛ دشمنان و رقبای مختلفی در این منطقه به توسعه اهداف خود مشغول هستند و پیوسته ایران را تهدید می‌کنند. این کشورها در عرصه نظامی میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری کرده‌اند و از پیشرفته‌ترین فناوری‌های موجود بهره‌برداری می‌کنند.

بنابراین با درنظرگرفتن موارد مذکور حفظ و تمامیت ارضی کشور، دفاع از کشور در مقابل تجاوزات خارجی، حفظ توان مقابله با تهدیدات نظامی و امنیتی دیگر بازیگران و ایجاد محیطی باثبات برای تأمین منافع ملی و گسترش ارزش‌های اسلامی از مهم‌ترین اهداف راهبردی دفاعی جمهوری اسلامی ایران است. به‌علاوه در راستای هدف توانمندسازی کشور باید بر تقویت بنیه فناوریانه، عملی و تحقیقاتی در ابعاد نظامی-اقتصادی نیز تأکید گذارد، تا از این رهگذر بتواند در منطقه، نفوذ سیاسی خویش را افزایش داده و مرزهای امنیتی خود را گسترش دهد. بنابراین عناصر مهم راهبردی بازدارندگی، شامل رقابت فشرده و شدید تسلیحاتی که مجهز به مدرن‌ترین سلاح‌ها و فناوری تسلیحاتی است. طبیعتاً در این راستا دارا بودن یک کادر دیپلماسی قوی برای تحقق راهبردی بازدارندگی در کنار رقابت تسلیحاتی از لوازم مهم برای کشور بازدارنده است. در حقیقت کشور بازدارنده باید پیوسته در رقابت تسلیحاتی حضور فعال داشته و به‌طور روزافزون در پی دستیابی به پیشرفته‌ترین فناوری‌های نظامی و برتری تسلیحاتی نسبت به دیگران، و داشتن اقتصادی قوی بدون اتکا به نفت، به‌منظور به حداکثر رساندن برتری‌های خود یا بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن باشد (نوری فرد، ۱۳۸۶: ۱۱۷-۱۱۹).

۳-۱. سامانه‌های موشکی و بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران موقعیت راهبردی و امنیتی ویژه‌ای دارد. مجموعه‌ای از عوامل در کنار یکدیگر این وضعیت منحصربه‌فرد را ایجاد کرده است. جهان‌بینی، فرهنگ، نوع نظام سیاسی، موقعیت



جغرافیای سیاسی، شعارهای انقلاب مبنی بر استقلال و تاریخ، به‌ویژه تجربه هشت سال دفاع مقدس، نداشتن متحد راهبردی، تنوع دشمنان و رقبای محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی هرکدام در شکل‌گیری فرهنگ دفاعی و امنیتی ویژه ایران تأثیر گذاشته‌اند (امینیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۱). سیاست‌های نظامی-دفاعی و امنیتی از مؤلفه‌های سه‌گانه سیاست‌های کلی کشور بوده و به خط‌مشی‌هایی اطلاق می‌شود که به‌منظور خنثی‌سازی تهدیدات، خطرات و حفظ امنیت ملی یک کشور ایفای نقش می‌نماید و ارتباط تنگاتنگی بین آن‌ها وجود دارد. سیاست‌های دفاعی و امنیتی پشتوانه اثرگذار بر سیاست خارجی کشورها محسوب می‌گردد. در رفع تهدیدات ملی و بین‌المللی نیز مورد استفاده قرار گرفته و از اهمیت بالایی برخوردار است. ابزارهای مورد استفاده در این نوع سیاست نیز همان ابزارهایی است که در سیاست‌های ملی و بین‌المللی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند، با توجه به حساسیت و اهمیت امنیت ملی برای کشور، تدوین سیاست‌های نظامی، دفاعی و امنیتی از ارجحیت و ویژگی‌های خاص برخوردار است (دانش آشتیانی، رستمی، ۱۳۹۵).

قابلیت‌های نظامی بین بازدارنده و مهاجم در تجزیه و تحلیل شرایط بازدارندگی بیشترین توجه را به خود جلب کرده است. تغییر در توازن نظامی به نفع مدافع احتمال چالش را بیشتر می‌کند. توافق ضمنی میان محققان این است؛ طرفی که بازدارندگی را اعمال می‌کند، باید تا حدودی به‌طور مساوی و همسان با متجاوز، از سطح زور برخوردار باشد. باین حال، «مورگان» بیان می‌کند که برتری نظامی کلیدی برای بازدارندگی موفق نیست. درگیر شدن در یک جنگ طولانی و فرسایشی نیز از جمله مواردی است که بازدارندگی را افزایش می‌دهد. داشتن قابلیت دفع حمله از همان ابتدا، و نیز توانمندی‌های نظامی توسط مدافع برای جلوگیری از پیروزی سریع و قاطع، چشم‌انداز بازدارندگی موفق را افزایش می‌دهد. این بدان معناست که بازدارندگی به بهترین شکل زمانی حاصل می‌شود که مهاجم بر این باور است که تنها راه برای او یک جنگ طولانی است (صالحی، فرح‌بخش، ۱۳۹۵). همچنین برتری کیفی راهی برای افزایش بازدارندگی است. سامانه‌های موشکی به‌عنوان یک عنصر اساسی در مفهوم بازدارندگی در قرن ۲۱ توسعه یافته است. در حوزه منطقه‌ای، موشک‌های بالستیک ابزاری برای کشورهای منطقه که راهبردهای نامتقارن را در تقابل با قدرت‌های بزرگ‌تر دنبال می‌کنند، است. همچنین یک انگیزه اقتصادی برای دستیابی به موشک‌های بالستیک این است که آن‌ها اغلب ارزان‌تر از به‌کارگیری و حفظ نیروهای بزرگ متعارف است. ایران هرچند از نظر فناوری در سطح پایین‌تری نسبت به غرب قرار دارد ولی در عین حال خواهان دستیابی به حداکثر استقلال از منابع تسلیحاتی



خارجی بوده و موشک‌های بالستیک جنگ‌افزارهایی بسیار مناسب جهت تأمین این نیاز می‌باشند. در مقایسه با سامانه‌های تسلیحاتی مشابه مانند هواپیماهای جنگی دامنه فناوری‌هایی که در توسعه و ساخت موشک‌های بالستیک به کار گرفته می‌شود، بسیار محدودتر است. کشورهای درحال توسعه از قبیل ایران برای دستیابی استقلال و امنیت، نیازمند خودکفایی در تسلیحات جنگی مانند موشک‌های بالستیک و سامانه‌های ناوبری و رادار پیشرفته، هستند (طارمی، ۱۳۸۲: ۱۸۸). راه‌اندازی موشک‌های بالستیک در کشور به‌نوعی ارسال سیگنال‌های تهدید برای رقبای ایران در منطقه و ازجمله پایگاه‌های نظامی آمریکا است. توانمندی موشکی به‌عنوان ابزاری کارآمد امکان عکس‌العمل سریع را به ایران می‌دهد. فرماندهان عالی‌رتبه نظامی ایران نیز تأکید کرده‌اند در صورت اقدام نظامی علیه ایران از سوی آمریکا، ایران بر تمام پایگاه‌های آن کشور مشرف است و این پایگاه‌ها در تیررس ایران بوده و می‌توانند از سوی ایران مورد تهدید و هدف‌گیری قرار گیرند. از نگاه ایران این پایگاه‌ها جزئی از خاک ایالات متحده محسوب می‌گردد (صالحی و فرحبخش، ۱۳۹۵: ۵۵). قابلیت‌های نظامی و راهبردی با به‌کارگیری نیروهای مسلح برای دستیابی به اهداف نظامی و یا سیاسی، بخش جدایی‌ناپذیر از قدرت نظامی هستند، سیاست‌های نظامی مؤثر به‌عنوان عامل بازدارنده از هر تهاجمی است. تولید انواع موشک‌های میان برد و برد بلند مانند زلزله، سجیل، شهاب، فاتح و... در راستای سیاست‌های بازدارندگی جمهوری اسلامی معنا پیدا می‌کند.

۲-۳. الگوی امنیتی بازدارندگی در تنگه هرمز

ایران قدرت منطقه‌ای جنوب غرب آسیاست که امکان دسترسی به سه حوزه خلیج فارس، اقیانوس هند و دریای خزر را دارد و می‌تواند نقش ترانزیتی برای اعضای سه حوزه را بازی کند. ایران، خلیج فارس را یک واحد منطقه‌ای دانسته که امنیت سایر حوزه‌های آن باید به دست اعضای منطقه و به دور از نیروهای مداخله‌گر فرامنطقه‌ای انجام پذیرد. همچنین ایران از حضور نیروهای مداخله‌گر که عمدتاً دشمنان و رقبای آن هستند برای امنیت ملی خود احساس خطر می‌کند، چون در سراسر این مدل یگانه ژئوپلیتیکی دارای منافع حیاتی است و چشم‌پوشی از آن ناقض امنیت ملی‌اش تلقی می‌گردد (مدنی، ۱۳۸۵: ۱۵۵).

در اختیار داشتن تنگه هرمز و برخورداری از موقعیت گذرگاهی، ایران را مسلط بر مهم‌ترین و بزرگ‌ترین گلوگاه انرژی جهان کرده است. در اهمیت تنگه هرمز همین‌بس که می‌توان گفت آمیزه‌ای

از جغرافیا، انرژی، اقتصاد و امنیت است که با موقعیت حساس خود می‌تواند هم فرصتی برای امنیت اقتصادی و نظامی باشد و هم تهدیدی برای امنیت در همه ابعاد برای ایران و جهان به شمار رود. به عبارتی دیگر، تنگه هرمز یکی از عرصه‌های تنفسی جهان از نظر اقتصادی و به دنبال آن امنیتی است که ایران با تسلط بر آن می‌تواند در جهت مدیریت اقتصادی و سیاسی خود از این موقعیت به خوبی استفاده کند و جهان صنعتی‌گریزی برای پذیرش این جایگاه ایران ندارند. بنابراین، این تنگه یکی از واقعیت‌های اقتصاد سیاسی و راهبرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران است که می‌تواند موجبات رشد و پیشرفت آن را فراهم کند و ایران را به اقتصاد نظام جهانی پیوند دهد. گذشته از این، ایران در جنوب کشور از سواحل طولانی برخوردار است و این موقعیت باعث شده که بر نیمی از خلیج فارس مسلط باشد (گل کرمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۳). این کریدور به لحاظ سیاسی نیز برای ایران بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا ضمن اینکه این کشور را به یک محور مهم ترانزیتی در منطقه تبدیل خواهد کرد، در بعد راهبردی نیز مانع انزوای ژئوپلیتیکی ایران خواهد شد (Matutinovic, 2009: 6188). ایران می‌تواند با دیپلماسی قوی نقش راهبردی در ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین‌الملل و ترانزیت انرژی منطقه و جهان ایفا کند.

مهم‌ترین دل‌نگرانی ایران در حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس، همگرایی و همکاری کشورهای حوزه خلیج فارس با قدرت مداخله‌گر آمریکاست. حضور آمریکا در منطقه و هسته‌ای بودن رژیم صهیونیستی حاکم بر فلسطین اشغالی است که به دلیل رابطه خصومتی هر دو با ایران عملاً منطقه را به درون حوزه بازدارندگی این کشور وارد می‌سازد. آسیای میانه و قفقاز حلقه بعدی در شبکه استراتژیک ج.ا. ایران است. فروپاشی شوروی موجب ایجاد منطقه ژئوپلیتیکی نوینی در مرزهای شمالی ایران گردید. علاوه بر بی‌ثباتی‌های موجود در مرزهای غربی (عراق)، شرقی (افغانستان)، و جنوبی (خلیج فارس) بی‌ثباتی‌های منطقه شمالی نیز به محیط سیاست خارجی ج.ا. ایران اضافه شد و ایران را با مجموعه‌ای از رقابت‌ها، فشارها و فرصت‌های جدید در حوزه ژئوپلیتیکی شمالی روبرو نمود (قاسمی، ۱۳۹۴: ۴۳۳-۴۳۴).

با توجه به معادله دفاع - تهاجم ایران، بازدارندگی دفاعی را اولویت داده است. در این راستا بر اساس الزامات تئوریک، سه نوع بازدارندگی دفاعی در اختیار خواهد داشت که عبارت‌اند از:



۳-۲-۱. بازدارندگی متعارف

به چند دلیل بازدارندگی متعارف دفاعی برای ایران دارای مزیت است: تشویق‌کننده دفاع؛ که به علت ناآرامی محیط خارجی ایران (تنش در این محیط مطلوب ایران نیست)، موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ایران (ایران را دارای موقعیت دفاعی کرده است)، همچنین ساخت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای است که بیشتر ویژگی دفاعی دارد.

۳-۲-۲. بازدارندگی غیرمستقیم و مثلثی

اصولاً یکی از سامانه‌های بازدارندگی منطقه‌ای قدرت مداخله‌گر، بهره‌گیری از بازدارندگی گسترده و یک‌جانبه است. با توجه به عدم تقارن راهبردی مداخله‌گر ایران، بازدارندگی مستقیم و دوجانبه یا متقابل می‌تواند خطر ساز باشد. به همین جهت از آنجا که هدف بازدارندگی گسترده مداخله‌گر، حفظ متحدین منطقه‌ای است که برای آن ارزشمند محسوب می‌گردند، بازدارندگی منطقه‌ای غیرمستقیم و تبدیل آن‌ها به نقطه هدف می‌تواند نسبت به خنثی‌سازی تهدیدات احتمالی مؤثر باشد.

۳-۲-۳. بازدارندگی شبکه‌ای

جایگاه ایران در نقشه ژئوپلیتیکی منطقه، مزیت خاصی به این کشور می‌بخشد. قرارگرفتن بین سه منطقه ژئوپلیتیکی مهم خلیج فارس، آسیای میانه و قفقاز و جنوب غربی آسیا مزیتی است که کشورهای محدودی از آن برخوردارند اما آنچه در اصول راهبردی ایران مهم تلقی می‌گردد، پیوند سه حلقه مذکور با یکدیگر است که ایران در حال حاضر با بهره‌گیری از کریدور شمال و جنوب و خط لوله گاز آن‌ها را دنبال می‌کند و بایستی در آینده راهبردهای دیگری نیز از جمله پیوستن به برخی از رژیم‌های منطقه‌ای در حال تکامل مانند شانگهای را پیگیری و یا در ایجاد رژیم‌های جدید منطقه‌ای و یا تقویت رژیم‌های موجود بازدارندگی گام بردارد.

به‌طور کلی مهم‌ترین اصول دفاع راهبردی ج.ا.ایران در دوره نوین بایستی بر موضوعات زیر متکی

باشد

- ✓ بهره‌گیری از نیروهای متعارف نظامی و افزایش توان دفاعی؛
- ✓ تنوع بخشیدن به ساختار نیروهای نظامی از جمله تأکید بر نیروهای شبه‌نظامی؛
- ✓ طراحی برنامه‌های دفاع در عمق، در صورت اشغال نظامی؛



- ✓ مقاومت غیرنظامی برای جلوگیری از استفاده از توان اجتماعی توسط دشمن؛
- ✓ نهادینه کردن دفاع غیرنظامی و شبه‌نظامی در قالب نیروهای مقاومت بسیج؛
- ✓ تأکید بر راهبردهای دفاعی سمت‌گیری شده به‌سوی دشمن از طریق بالا بردن هزینه حمله دشمن از طریق اختلال شبکه‌ای؛
- ✓ شبکه‌سازی جغرافیایی در منطقه‌ای از طریق پیوند بین خلیج فارس، آسیای میانه، قفقاز و جنوب غربی آسیا ضمن بهره‌گیری از فشارهای شبکه‌ای در جهت کاهش آسیب‌پذیری‌ها؛
- ✓ تأکید بر نیروهای متحرک در ساخت نظامی خود؛
- ✓ مدرنیزه کردن نیروهای نظامی به‌ویژه تسلیحات نظامی هوایی مانند ساخت موشک‌هایی با برد بلند؛
- ✓ کاهش توان مانور عملیاتی دشمن از طریق واردکردن کشورهای بزرگ مانند چین و روسیه در درون حوزه منافع مشترک (قاسمی، ۱۳۹۴: ۴۶۵-۴۶۷).

نتیجه‌گیری

دولت‌های در حال توسعه به دلیل نداشتن تضمین‌های جدی امنیتی به‌ناچار به‌سوی بازدارندگی ملی گرایش یافته‌اند و برخی توانسته‌اند این امتیاز را برخلاف مشکلات فراوان آن کسب کنند. سطح بازدارندگی برای کشورهای مختلف متفاوت است کشورهای در حال توسعه عمدتاً به‌سوی بازدارندگی در سطح منطقه‌ای گرایش یافته‌اند. در این بین انقلاب اسلامی ایران و نظام برآمده از آن، از موقعیت ویژه و متفاوتی برخوردار است. موقعیت ژئوپلیتیکی خاص، همواره مورد توجه بیگانگان بوده است. وجود تفکر اسلام انقلابی باعث حساسیت بسیاری از قدرت‌های و متحدین آن‌ها شده است این مسئله بیش از هر عاملی باعث دشمنی قدرت‌های بزرگ نسبت به ایران در چهار دهه گذشته بوده است این عوامل و دلایل متعدد دیگر باعث شده ایران بیش از هر کشور در حال توسعه، مورد تهدید باشد. دشمنی هم‌زمان ابر قدرت‌ها و متحدان منطقه‌ای آنان، انباشت سلاح‌های مخرب در اطراف ایران وضعیتی را باعث شده که هیچ مسئولی نمی‌تواند و نباید به آن بی‌توجه باشد. بازدارندگی و کسب لوازم آن تا حد دارا بودن توان ضربه دوم در برابر رژیم صهیونیستی از ضروریات سیاست‌های دفاعی انقلاب اسلامی است. رسیدن به این سطح از بازدارندگی ایران را به سطح بازدارندگی جهانی ارتقا می‌دهد. با توجه به موارد مذکور، توان نظامی ایران همواره کارکردی دفاعی



و بازدارنده داشته است که جهت دستیابی به منابع نظامی آن‌هم با توجه به تحریم‌های امریکا و رقابت‌های حساس منابع قدرت هدایت‌شده، که مهم‌ترین آن‌ها سرمایه‌گذاری در حوزه تسلیحاتی و موشکی است. دستیابی به توان موشکی می‌تواند توان بازدارندگی به تجاوزهای منطقه‌ای را تضمین کند. راهبردهای بازدارندگی ممکن است صرفاً جنبه دفاعی داشته باشد یا رویکردی تهاجمی بیابد. در صورتی که بازدارندگی جنبه دفاعی داشته باشد، به آن «بازدارندگی از طریق انکار» می‌گویند که به هرگونه پیشگیری از پذیرش ضربه احتمالی دشمن اطلاق می‌شود؛ به‌طوری‌که فناوری‌های موجود و توانمندی‌های دفاعی کشور می‌توانند از وارد آمدن ضربه از سوی دشمن جلوگیری کنند؛ مانند توانایی ساقط کردن کلاهک‌های هسته‌ای هنگام حمله. اگر بازدارندگی با رویکردهای تهاجمی ترسیم شود، «بازدارندگی از طریق تلافی» خواهد بود. در این نوع بازدارندگی توانمندی‌های یک کشور به آن اجازه می‌دهد ضربات احتمالی در اقدام خصمانه طرف مقابل را جبران کند و ضربه به دشمن وارد آورد.

فهرست منابع

- ازغندی، علیرضا؛ روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، «مسائل نظامی و استراتژیک معاصر»، تهران، سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۸۹)، «رنالیزم و رویکردهای رقیب به سیاست خارجی»، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۶، سال ۱۹، پاییز.
- اسفندیاری، مهدی؛ حسوند، مظفر؛ ایمان‌دار، زیبا (۱۳۹۵)، «بازدارندگی نوین در نظم و ساختار نوین نظام بین‌الملل (داده‌های نظری و یافته‌های تجربی)»، فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال دوازدهم، شماره ۳۸.
- اطهری، اسدالله؛ معصوم‌نیا، محبوبه (۱۳۹۷)، «بررسی پیامدهای قرارداد تسلیحاتی عربستان و ایالات متحده (۲۰۱۷)»، دو فصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل، سال دوم، شماره اول.
- امینیان، بهادر؛ ضمیری جیرسرای، شفق (۱۳۹۵)، «تأثیر رژیم کنترل فناوری موشکی بر امنیت ملی و توان بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، شماره ۳۲.
- آدمی، علی؛ دشتگرد، مجید (۱۳۹۱)، «ایالات متحده و مهار مخالفان در چارچوب احاله مسئولیت»، پژوهش راهبردی سیاست، شماره ۳.
- ترابی، قاسم؛ کیانی، فریبا (۱۳۹۳)، «تبیین سیاست خارجی روسیه در قبال بحران اوکراین از منظر واقع‌گرایی ساختاری تدافعی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۷.
- جمشیدی، محمد (۱۳۹۱)، «جایگاه بازدارندگی متعارف در استراتژی دفاعی دولت باراک اوباما در قبال جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره اول.
- خلیلی، رضا (۱۳۹۱)، «تحول تاریخی-گفتمانی مفهوم استراتژی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۸، شماره ۴.
- دانش آشتیانی، محمدباقر؛ رستمی، علی (۱۳۹۵)، «تحلیلی بر دکترین نظامی-دفاعی مقام معظم فرماندهی کل قوا در محیط ملی و بین‌المللی»، فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال دوازدهم، شماره ۳۶.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۴)، «موانع ساختاری برتری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، دانشنامه حقوق و سیاست، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال اول، شماره ۲.
- رحیمی روشن، حسن (۱۳۹۵)، «بازدارندگی منطقه‌ای و تأمین امنیت جمهوری اسلامی ایران»، دو فصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل، سال اول، شماره اول.



- رنجبر، مقصود (بی‌تا)، «تهدیدات اسرائیل علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهشی اندیشه انقلاب اسلامی.
- سیفی، یوسف (۱۳۹۱)، «ژئوکالچر اسلام‌گرایی شیعی در خاورمیانه و تأثیر آن بر بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، شماره ۱۷.
- صالحی، جواد؛ فرحبخش، عباس (۱۳۹۵)، «پایگاه سازی در غرب آسیا (خاورمیانه) و بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، مجله سیاست دفاعی، سال بیست و چهارم، شماره ۹۶.
- طارمی، کامران (۱۳۸۲)، «تحلیلی بر نقش موشک‌های بالستیک در دکترین دفاعی ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۹.
- عباسی، ابراهیم؛ نجات، سید علی؛ طالبی، صغرا (۱۳۹۵)، «الگوی امنیتی بازدارندگی در تنگه هرمز و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۷.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۳)، «نگرشی تئوریک بر مدل‌های جنگ و بازدارندگی در روابط بین‌الملل»، مجله سیاست دفاعی، سال سیزدهم، شماره ۱.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۸)، «الزامات تئوریک بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره ۳.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۳)، «نظم نامتقارن سیستم‌های پیچیده و آشوب و راهبرد دفاع جامع در سیستم بازدارندگی»، فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره اول.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۸)، «اصول روابط بین‌الملل»، نشر میزان، چاپ دوم، تهران.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۴)، «نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای»، تهران، نشر میزان، چاپ دوم.
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۳)، «اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل»، تهران، سمت، چاپ دهم.
- قربانی، مژگان (۱۳۹۱)، «استقرار سپر دفاع موشکی امریکا در خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دهم، شماره ۳۸.
- گل‌کرمی، عابد؛ کریمی پور، یدالله؛ متقی، افشین؛ ربیعی، حسین (۱۳۹۶)، «تبیین ژئوپلیتیک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر قابلیت‌های ژئواکونومیک»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال هجدهم، شماره ۹۴.
- محمدی، محمدحسین (۱۳۹۵)، «رنال‌سم تهاجمی و نزاع بر سر امنیت، مروری بر ترازدی قدرت‌های بزرگ مرشایمر»، نشریه جهان روابط.

- مدنی، مصطفی (۱۳۸۵)، «تفاوت‌ها و تعارضات در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس»، مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره ۲۰، شماره اول.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵)، «تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل»، انتشارات سمت، چاپ دوم، تهران.
- معین‌الدینی، جواد؛ منتی، ایوب (۱۳۸۸)، «بازدارندگی و تحولات آن در استراتژی نظامی آمریکا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، شماره ۶.
- نوری‌فرد، فاطمه (۱۳۸۶)، «بازدارندگی، مکانیزم مقابله با تهدیدات نامتقارن (مطالعه موردی رابطه ایران و آمریکا)»، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۷.
- یزدان‌فام، محمود (۱۳۹۵)، «سیاست خارجی ترامپ و جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۷۴.



References

- Blanchard, Christopher, (2012), “Change in the Middle East; implication for US policy”, United States congress research service.
- Huth, P K and Russett, B (1948), What Makes Deterrence Work? World Politics, Vol. 7.
- Matutinovic, Igor. (2009). Oil and the Political Economy of Energy, Energy Policy, in press,corrected proof,March, 31- 43.
- Wirtz, James J (2005), "Disarmament, Deterrence and Denial, Comparative Strategy, Vol. 24, Issue 5.
- Zagare, Frank C (2004), "RECONCILING RATIONALITY WITH DETERRENCE", Journal of Theoretical Politics, Vol.16, No.2.

